

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Scientific

علمی

بازتایپ توسط: لاله - هوادار سازمان انقلابی افغانستان

۰۵ نومبر ۲۰۱۱

## شیوه تولید فیودالی

در شیوه تولید فیودالی عمده ترین وسیله تولید زمین است. پروسه کار شامل زمین و مواد خام حاصله از آن (که توسط خود تولید کننده مستقیم تولید می شود)، وسایل ابتدائی و عقب افتاده تولید کشاورزی و صنعت خانگی (وسایل بدوی کشت، گاو، اسب، ابزار کار ساده دستی ساخت صنعت پیشه وری) و نیروی کار تولید کننده مستقیم (دهقان وابسته به ارباب و زمین یا "سرف" - رعیت-) می باشد.

در شیوه تولید فیودالی، بزرگترین نیروی مؤلده را دهقانان تشکیل می دهند. پروسه کار در این شیوه تولیدی، به دلیل سطح نازل رشد تکنیک و ابزار تولید، خصلت فردی دارد. تقسیم تکنیکی کار تقریباً ناچیز است. دهقانان وسایل کار و پروسه کار را تحت کنترل و تسلط خود دارد و بین او از یکسو و وسایل تولید (زمین و ابزار تولید) و پروسه تولید از سوی دیگر، وحدت موجود است.

تولید فیودالی یک تولید خود کفایتی است. هدف تولید نه برای مبادله بلکه برای مصرف خود تولید کننده است. صنعت به صورت صنعت خانگی دهقانی است و بنابر این از زراعت جدا نیست. به عبارت دیگر، تقسیم اجتماعی تولید در جامعه در سطح نازلی قرار دارد.

مناسبات اجتماعی در چنین مرحله ای از تکامل نیرو های مؤلده و مناسبات تکنیکی تولید، خصلت فیودالی دارد. مناسبات اجتماعی فیودالی، روابط مشخصی است که بین مالکین عمده ترین وسایل تولید (یعنی فیودال ها که مالک زمین اند) و تولید کنندگان مستقیم (دهقانان) بر قرار می شود.

فیودال تنها مالک حقوقی زمین است، بدون آنکه آن را در تصرف خود داشته باشد یعنی قادر باشد این وسیله تولید را شخصاً مورد استفاده قرار دهد. سایر وسایل تولید (ابزار تولید) هم نه در تصرف و نه در مالکیت فیودال است. بنابر این فیودال هیچ گونه تسلط و کنترولی بر پروسه تولید ندارد. معکوس آن تولید کننده مستقیم مالک واقعی ابزار کار است. وی بر روی زمینی که متعلق به وی نیست و با کمک ابزار کارش به کار زراعت می پردازد و نیازمندی های معیشتی خود و خانواده اش را بر آورده می سازد. دهقانان بر وسایل تولید و پروسه تولید مسلط اند و شرایط مادی لازم برای امرار معاش و انجام کار در تصرف آنها است، لذا قاعدتاً آنها احتیاجی ندارند که خود را به ارباب

وابسته کنند و برای او کار رایگان انجام دهند. بنابراین این سؤال پیش می آید که چرا دهقانان به ارباب فیودال وابسته می شوند و مجبور می گردند برای او بیگاری بکشند؟ چرا و چگونه اضافه تولیدی دهقانان یعنی آنچه که اضافه بر احتیاجات ضروری زندگی دهقان و خانواده اش تولید می شود، به وسیله فیودال غصب و تصاحب می شود؟ کارل مارکس به این سؤال اساسی، که حلقه اصلی و مرکزی تعریف شیوه و مناسبات تولیدی فیودالی را تشکیل می دهد، چنین پاسخ می دهد:

"بدیهی است که در تمام اشکالی (منظور اشکال اقتصادی است) که در آنها وسایل تولید و وسایل کار لازم برای تهیه وسایل معیشت خویش در "تصرف" تولید کننده بلاواسطه باقی بماند، مناسبات مالکیت در آن واحد ناگزیر باید در شکل مناسبات بین ارباب و خادم (منظور "سرف" است) ظاهر شود. بدین ترتیب، تولید کننده مستقیم آزاد نیست (... فرض کنیم که در اینجا (منظور در سیستم سرواژ یا فیودالی است) تولید کننده بلاواسطه متصرف ابزار تولید خود و وسایل مادی لازم برای انجام کار و امرار معاش خود می باشد. او به طور مستقل به کشت قطعه زمین خود و در ارتباط با آن به کار صنعت روستائی خانگی می پردازد (... در چنین شرایطی، علل ماورای اقتصادی، حال با هر خصلتی که داشته باشد، باید عمل نمایند تا آنها (منظور سرف ها است) را وادار به کار رایگان روی زمین مالک اسمی زمین نمایند."<sup>1</sup>

تضاد بین مالکیت حقوقی (یا اسمی) فیودال بر زمین با حق تصرف دهقان بر وسایل تولید (زمین و غیره) بدین شکل حل می شود که فیودال با توسل به جبر ماورای اقتصادی (جبر و زور سیاسی و ایدئولوژیک) مالکیت حقوقی خود را به قدرت بر روی دهقانان تبدیل می کند و از این طریق اضافه کار تولید کننده مستقیم را به تصاحب خود در می آورد و حق بهره وری از ثمرات زمین را به خود اختصاص می دهد.

در شیوه تولید فیودالی، تضاد اساسی، تضادی است بین خصلت مستقل کار فردی تولید کننده مستقیم (یعنی کار مستقل فردی، تسلط تولید کننده بر وسایل تولید و بر پروسه تولید، تصرف شرایط مادی تولید) و خصلت فیودالی مالکیت بر مهم ترین وسیله تولید (یعنی مالکیت حقوقی فیودال بر زمین و ضرورت اعمال اجبارات ماورای اقتصادی به منظور تصرف اضافه تولید، تولید کننده مستقیم).

تضاد اساسی فوق در سطح طبقات به صورت تضاد بین طبقه فیودال ها و طبقه دهقانان بروز می کند. مناسبات تولیدی فیودالی سدی در مقابل رشد نیرو های مؤلده جامعه است زیرا ارباب فیودال تمامی اضافه کار تولید کنندگان مستقیم را برای تأمین زندگی پر تجمل خود تصرف می کند و بنابراین هیچ مشوقی وجود ندارد که دهقانان را به رشد تکنیک و تکامل وسایل تولید و پروسه تولید و شیوه تولید سوق دهد.

تضاد عمده میان دهقانان و فیودالان موجب مبارزات و قیام های دهقانی علیه اسارت و قیود فیودالی می شود. این قیام ها علت اصلی پاشیدگی و اضمحلال نظام فیودالیسم می گردند.

\*\*\*\*\*

بر گرفته از کتاب مبانی و مفاهیم مارکسیسم

<sup>1</sup> - مارکس: "سرمایه"، کتاب سوم، جلد سوم